

سخنرانی مکتوب حجت الاسلام عدالت؛ عظمت حضرت عباس(ع)

کانال ایٹا شیعه کوئست: @shiaquest_net

سایت شیعه کوئست: www.shiaquest.net

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الصلاة والسلام على سيد الانبياء
والمرسلين حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد(صلى
الله عليه وآله و سلم) الطيبين الطاهرين المعصومين
المكرمين و اللعن دائم على اعدائهم اجمعين من الان الى
قيام يوم الدين.

فضائل قمر بنی هاشم

شب تاسوعای قمر بنی هاشم است. وجود مقدس عباس
(علیه السلام) یک فضائی دارد شنیدنی. من این فضائل
را از دو تا از زیارات منقول از امام صادق (علیه السلام) و
امام سجاد (علیه السلام) قطعاتی از آن را برایتان می
گویم.

در این زیارت وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) می فرماید: عباس جان سلام الله وسلام «سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ» سلام خدا و ملائکه مقرب خدا نه همه ملائکه یک پله بیا بالا آنهایی که متصدی و مسئول و مدیر امراند. «سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ» همه پیغمبران نه پیغمبرانی که مرسل هستند «وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ» به من گوش بدهید خیلی عجیب است این سلام امام صادق.

تمام انبیاء از اول تا آخر گلچین کن مرسل ها را و رسول هایشان را جدا کنید تمام ملائکه مقربین شان را جدا کن. عباد صالح خدا را از اول آدم تا قیام قیامت همه اینها را جدا کن. سلام اینها و جمیع شهداء همه شهدای از آدم تا بعد از ظهور امام زمان (عج) که تمام این مجموعه ذاکیات ذکی و طیبات پاکاند همه این مجموعه «عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» بر تو ای عباس پسر امیر المؤمنین (علیه السلام).

شما در مجموعه این زیاراتی که برای شهدای کربلا نقل شده یک چنین سلامی را برای اصحاب دیگر امام حسین (علیه السلام) پیدا نمی کنید. تازه امام صادق (علیه السلام) می فرماید سلام این مجموعه نه فقط یک دفعه اولاً تا آخر قیامت بعد هم هر سال یک بار یک دفعه نه هر ماه یک دفعه نه هر هفته یک دفعه نه هر روز دو مرتبه «تَغْدُو وَ تَرُوحُ» هر صبح و شام سلام ملائکه سلام خدا ملائکه انبیاء شهداء صدیقین عباد الصالحین همه این مجموعه به تو یابن امیرالمؤمنین.

تسلیم

اگر بخواهیم بفهمیم که عباس کی هست از همین یک تیکه عبارت می تونید بفهمی د. بیایید بریم در یک زیارت دیگر. شخصیتی که امام معصوم برایش شهادت بدهد خیلی شخصیت بالایی هست که امام صادق (علیه السلام) این وسط بیاید و بگوید من شهادت می دهم

«أَشْهَدُ لَكَ» من امام صادق (عليه السلام) شهادت می دهم برای تو عباس. «لَكَ بِالتَّسْلِيمِ» تو تسلیم بودی. ما یک تسلیمی داریم تسلیم قولی هست تو اداره آن مرئوس به رئیس می گوید چشم قربان.

اما در ذهنش مخالف این رئیس هست تسلیم فکری و ذهنی نیست. گاهی میره توی اطاق بغلی غرغر می کنه، پس تسلیم قولی هم نیست مجبور است تسلیم عملی باشد. چشم باشه انجام می دهم.

گاهی به من می گویند خمس بده به خاطر اینکه می خواهم برم مکه خمسم را می دهم اما تو بیان غرغر می کنم تسلیم قولی ندارم تو ذهنم هم شبهه است خمس برای چی می دهم. برای کی، تسلیم فکری و عقلی و ذهنی هم نیستم.

اما وقتی امام صادق (عليه السلام) «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ» یعنی در مقابل خدا رسول خدا امام عباس جان تسلیم

قولی تسلیم فعلی تسلیم عقلی و فکری «أَشْهَدُ لَكَ
بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ وَالْوَفَاءِ» گاهی می آید برای شما کار
کنه اما کار شما را تصدیق نمی کنه در ذهنش. عباس وقتی
می آید کار سید الشهداء را هم تصدیق زبانی می کنه هم
تصدیق عملی می کنه هم تصدیق فکری.

«أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِ
النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ» پشت سر پسر فاطمه پسر پیغمبر دقیقاً
مثال سید الشهداء و قمر بنی هاشم مثل سوره شمس
است «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا *
وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها» یعنی خورشید را دیدید شما این ماه اگر
می خواهید روشن بماند باید قدم به قدم در این گردش
مداری پایش را جای پای خورشید بگذارد منجمین می
گویند از اول تأسیس عالم تا الآن در این پیروی کردن ماه
از خورشید اگر یک میلیارد درجه تخلف کرده بود الآن
خاموش شده بود.

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها» شمس حسین
«وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها» قسم به قمری که قدم هایش را جای
پای سید الشهداء گذاشته است. برای همین کسب نور
کرده هر کاری سید الشهداء می تونه بکنه قمر بنی هاشم
هم می تواند انجام بدهد.

چهار پنج نفر نشسته بودند در نجف بحث می کردند که
مقام عباس بالاتر است یا مقام سلمان! یکی محکم
ایستاده بود و می گفت که مقام سلمان بالاتر است به
خاطر اینکه سلمان صحابی پیغمبر است سلام فلان است
چند تا دلیل برای خودش ردیف کرد شب آمد منزل خواب
دید امیر المؤمنین را آقا بهش فرمود چی داری می گی تو
گفت آقا هیچی ما گفتیم سلمان. آقا فرمود فقط بهت
بگم اگر می خواهی بفهمی که عباس بالاتر است یا سلمان
یک خم ابروی عباس من اشاره عباس من کل کره زمین را
سلمان می کنه چی داری می گی تو.

«أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ» یک عبارت دیگر براتون بگم. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: می دانید عباس اسمش کجاست فکر می کنه عباس اسمش کربلا هست اسمش تو سینه و زبان های شماست، بیا بالا «وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيٍّ» امام صادق (علیه السلام) می فرماید بین آقا اسم پیغمبران را خدا تو اعلی علین ننوشته هر پیغمبری پیغمبر معصوم هست جایش خودش، تنها کسانی که اسامی شان در اعلی علین ثبت و ضبط کرده با خط خوش اسامی چهارده معصوم است.

اما امام صادق (علیه السلام) می فرماید تو کسی هستی که وقتی ملائکه به اعلی علین نگاه می کنند وقتی نگاهشان بالا می آفته کنار این اسامی ائمه نوشته «عباس» «وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيٍّ» خیلی مقام است کی هست عباس.

یک زیارت دیگر هم براتون بگم، در آن زیارتی که امام سجاد (علیه السلام) می فرماید «ان کان» باشد برای

عباس (علیه السلام) «منزلة» تو آسمانها و روز قیامت عباس یک منزلتی دارد که «یغبتہ جمیع الملائکة» تمام ملائکه «یغبتہ شهداء يوم القيامة» روز قیامت که می شود تمام شهداء از اول تا آخر همه نگاه می کنند چه مقامی به این شهید کربلا خدا عطا کرده که تمام شهداء از شهدای اول تا آخر شهدای بدر خیبر، حنین، بیا حتی شهدای کربلا خود شهدای کربلا وقتی نگاهشان به مقام عباس می افتد یغبتہ. چیه این مقام. ما خیلی باید بدویم تا تازه یه ظرف استکان تو دریای فضائل عباس بزنیم و این استکان را برداریم. آخه عباس دریاست اقیانوس است. من یک ساعت هم که حرف بزنم مثل این است که من یک قاشق چای خوری دستم است از کنار آب دریا اقیانوس فضائل عباس یک قاشق بردارم می گم بفرمایید.

اینها همگی اینطوری بودند. آقا داستان برگردانیم عقب زمانی که عبد المطلب آمد حجر الاسود را از توی چاله دریاورد به من گوش بدهید جریان قشنگی هست. شاید

این تناسب را هیچ جا نشنیده اید، حتی اگر بگویید 40 سال است که پای منبر هستید. این تناسب را گوش بدهید.

نوار را برگردان زمان عبد المطلب این نکته یادگاری برای شما. عبد المطلب وقتی آمد حجر الاسود را از توی چاه بیرون بیاورد چون مکه را غارت کره بودند حجر الاسود و طلاها و جواهرات را در زمین پنهان کرده بودند یک پسر بیشتر نداشت تک و تنها بود هر که را گفت بیاید کمک گفت نه این کار خودم هست من پرده دار هستم من خانه دارم من کلید دار هستم کسی دیگری نباید بیاید کمکم کند. خودش با زجر و زحمت و مشقت بیرون آورد. در این اثنا نذر کرد که اگر خدا ده تا پسر به من داد یکی را فدا کنم. خدا ده تا پسر را بهش داد یک روز عهد یادش آمد باید یکیش فدایی بشه. مردم مکه جمع بشید آمدند در مسجد الحرام چه کار می خواهد بکند می خواهد یک پسرش را قربانی کند. عهد کرده.

حالا کدام را فدایی کنیم گفت بچه ها حاضرید. گفتند بله
حاضریم هر کدام را انتخاب کنید ما حاضریم. عهد کردی.
خب کدام گفتند قرعه بینداز. قرعه انداختن به نام عبد
الله افتاد. مردم گفتند بابا حیف است قمر است یکی از
کسانی که بهش قمر می گفتند عبد الله بود خیلی زیبا بود
متین دوباره و سه باره قرعه انداخته عبد الله.

ابو طالب جلو آمد، گوش بده ابو طالب جلو آمده گفت
بابا من نمی گذارم فداش کنی. اگر می خواهی بکشی به
جایش من را بکش، ابو طالب اینجا جلو آمد سفت
وایستاد و گفت این گردن من و من را ذبح کن اما عبد الله
را دست نزن. خب حالا مردم باعث شدن قرعه کشی بین
شترها و عبد الله کردند بالاخره صد تا شتر در قرعه درآمد.
کار نداریم ابو طالب اینجا می آید خودش را فدایی عبد
الله می کنه داشته باشید. «ليلة المبيت» فرزند این ابو
طالب می آید در جای پیغمبر می خوابه کربلا نوه این ابو
طالب خودش را فدای کی می کنه، حسین (علیه السلام).

گرفتی نکته از کجاست! این فدا شدن که امام صادق (علیه السلام) در زیارتش می گوید که فدای حسین (علیه السلام) شدی این سابقه دارد و ریشه دارد. فدایی شدی. خیلی مقام دارد عباس. شجاعتش واویلا است شما در احوالات قمر بنی هاشم ببینید در احوالات قمر بنی هاشم طریحی در منتخبش می نویسد «کالجبل الجسیم» مثل یک کوه بزرگ قدرتمند بود عباس، واقعاً نمی توانیم بفهمیم یعنی چی، اولاً مثالی که میزند مثال جالبی است می گه مثل کوه میمونه. نمی گه مثل سنگ بزرگ مثل تپه مثل درخت نه چون کوه در مقابل شدیدترین طوفان ها هم از سرجایش تکان نمی خورد این یک.

دو این کوه پناهگاهی است در خطرات برای موجودات. انسان ها موجودات تو خطرات پناه میبرند در کوه. عباس هم پناه گاه همه بی پناه هاست هر که وارد این کوه شد کوه نعماتی دارد از نعماتش استفاده می کند هر که با عباس شد عباس برکاتی دارد که از برکاتش استفاده می

کند. هر که وارد کوه شد یک داروهای شفابخشی در کوه گیر می آید که بقیه جاها نیست عباس هم داروهای شفابخشی دارد که اشخاص دیگری ندارند. افراد دیگر ندارند. «**کالجبل الجسیم**» یا «**کالجبل العظیم**» خیلی مقام عباس بزرگ است. بعد می گوید «**کالطور العظیم**» طور ده مرتبه دو مرتبه در قرآن از واژه «طور» استفاده شده است هر دو مرتبه اش مال طور سینا و سینین است.

در طور سینین یا سینا چه کار می کرده موسی، با خدا سخن می گفته. قلب عباس محل عبادت خداست. قلب عباس طور است محل عبادت عباس محل سخن گفتن عباس با خداست. خیلی عبارته.

بعد می فرماید: طریحی می گوید عباس از جهت شجاعت یک خصوصیتی داشت «**کان جسوراً فی التعیین**» تعیین یعنی نیزه یعنی خیلی جسور بود در نیزه زدن. به من خوب گوش بدهید این تیکه هم خیلی جالب است.

پدر بزرگ عباس یعنی پدر فاطمه بنی کلاب یک هنری که در جنگ داشت این بود آن هم خیلی پهلوان و شجاع بوده چون امیر المؤمنین رفته با خانواده شجاعی وصلت کرده. پدر بزرگ عباس در جنگ هیچ کس حریفش نبود. بهش می گفتند ملاعب الاسنه یعنی با نیزه بازی می کرد، جلو حریف که میرفت این نیزه را سر دست می چرخوند نگاه به این نیزه می کرد یک دفعه با یک ضرب می کوبید به قلبش خودش هم باورش نمی شد که این نیزه داره اینطوری می چرخه اما یک دفعه می آید. در صفین ببینید با همین تکنیک عباس ابو شعسا و هفت تا بچه اش را به درک واصل کرد با همین تکنیک ملاعبه الاسنه.

عند کرب الکریم، کریم ابرهه بن کریم که یل شام بود با همین تکنیک گفت سرت را بلند کن این تنه نیزه را چرخواند یک دفعه فرو کرد تو قلب ابرهه و افتاد. خیلی شجاع بوده عباس.

شجاعت حضرت عباس (ع)

عمر سعد هی نامه می نوشت می گفت بابا لشکر بفرست
هی هزار تا می فرستاد دو هزار تا هی سه هزار تا فرستاد
بعد نامه نوشت گفت مگر اینها چند نفر هست. در
جواب نامه عبید الله عمر سعد نوشت هفتاد و دو نفر
هستند اما وفیهم عباس. هفتاد دو تا با عباس. مگر یادت
رفته در صفین چه کرد عباس. مگر یادت رفته ابرهه را
چطوری کشت؟ مگر یادت رفته این و داداشش آب را آزاد
کردند یادت رفته؟! خیلی شجاع بوده عباس.

و لذا وقتی که آمد خدمت سید الشهداء اول این جمله را
تا یادم نرفته بگم، امیرالمؤمنین در شجاعت عجیب بوده،
عرب به کسی که در دل لشکر جلو قلب جلو نه سمت
چپ و راست وسط لشکر هست اینکه جلو دار است یعنی
دو طرفش پشت سر این می آید این وسطی را می گویند
کبش کتیبه این خیلی در معرض خطر است.

خیلی هم باید شجاع باشد کبش کتیبه مال مکه کفار
طلحه بن ابی طلحه بوده که توسط امیرالمؤمنین به درک

واصل شد. این کبش کتیه مکه ای هاست کبش کتیه مدینه پیغمبر امیرالمؤمنین بوده، کبش کتیه سپاه امیر المؤمنین تو صفین مالک اشتر نخعی بوده، کبش کتیه امیرالمؤمنین در جمل و نهروان امام مجتبی (علیه السلام) بوده، کبش کتیه سپاه ابی عبد الله کی بوده، قمر بنی هاشم بود.

خیلی نیرو داشته عباس، آن وقت امیرالمؤمنین یک رگی توی این پیشانی اش بوده اینهایی که می گویم در کتابی ننوشته، یک رگی در این پیشانی مبارکش بود، این رگه وقتی غضب می کرد به دشمن این رگ پر خون می شد، فشار می آورد به این پیشانی آقا دست می کرد در جیبش یک دستمال زرد می بست به این پیشانی سفت که این رگه را فشار بده

دستمال زرد چون بستی به سر دشمنت فریاد زد این المفر

دشمن می گفت فرار کنید که علی دستمال را بست. دیگره
الآن علی غضب کرده دیگره کسی جلوی علی وای نایسته
این رگه توی پیشانی عباس بود، عین همین رگ تو پیشانی
عباس بود. حالا گوش کنید.

آمد خدمت سید الشهداء، سید الشهداء یک نگاه به
عباس کرد دید وای این رگ باد کرده چشمانش پر خون
شده، بدن از بیتابی و ناآرامی فقط اجازه می خواهد،
سیدی و مولای اجازه نمی دهی بروم، بگذار بروم و کارشان
را یکسره کنم.

مقام حضرت عباس (ع)

آقا یک جمله فرمود: حالا می فهمی عباس یعنی چی؟
عباس یعنی این.

سید الشهداء فرمود عباس اگر بری تفرق عسکری لشکر
من از هم می پاشد، مگر بعد از عباس کی مانده بود، علی
اصغر و عبد الله بن حسن دو نفر مانده بود. اما سید
الشهداء فرمود عسکری، لشکر من از هم میپاشد. اگر بری

لشکر من از هم میپاشد نمی گذارم بروی. این شجاعت عباس بود.

اما با این مقام شجاعت ببینید چه تعابیری و مضامین عالی وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) برای عباس می آورد. این دلیل بر چیست؟ اما در این چند دقیقه ای که می خواهم بگویم شجاعتش را اما می ترسم از نکته اصلی بحث امشب بمانم. یکی از مقاماتی که عباس داشت مقام عصمت عباس است.

عباس (علیه السلام) معصوم بود، خرده نگیرید که معصوم 14 نفر بود، بله 14 نفر معصوم ذاتی و عرضی اما در مقام عرضی تنها معصوم دیگری هم داریم سلمان هم معصوم بود بله ولی ذاتی نه خدادادی نه خودش با کمال به دست آورده بود. علی اکبر دیشب گفتم زینب کبری را اگر یک شب وقت می داشتم برایتان می گفتم که این مقام را داشت.

زیارت نامه حضرت عباس (ع)

فاطمه معصومه (سلام الله علیها) این مقام را دارد دلائلی هم در ذهنم هست اما امشب شب عباس است. عباس چرا معصوم است؟

چند تا دلیل را گوش کنید:

1- دلیل اول همین زیارتنامه ها است اگر کسی امام نباشد امام معصوم برایش زیارتنامه نمی گوید. اگر امامزاده باشد یکی از علما بر می دارد یک زیارت نامه می نویسد **السلام علیک یا اولیاء الله و احباءه أیها العبد الصالح** که در این زیارتنامه ها هست اگر معصوم باشد امام رضا (علیه السلام) می آید برایش زیارت می گوید فاطمه معصومه اگر معصوم باشد برایش می آید زیارت نامه می گوید امام صادق عباس بن علی، زیارت نامه اگر بخواهد امام معصوم بگوید باید این مقامش معصوم باشد. تعابیرش هم که دیدید سلام خدا و ملائکه و انبیاء و شهداء و این یک دلیل.

2- دلیل دوم وقتی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، یک نفر آب می آورد یک نفر هم بدن را می شست امیرالمؤمنین را غسل می داد فضل بن عباس هم داشت آب می آورد. امیرالمؤمنین فرمود فضل بن عباس الآن می خواهیم غسل دادن را شروع کنیم می خواهی آب بزنی ظرف آب دست من بدهی همین طور کنار دست من وایستاده ای چشمت را باید ببندی چشم غیر معصوم به بدن معصوم نباید بیافتد.

این دستمال را بگیر و چشمت را ببند، لذا فضل بن عباس چشمش بسته بود ظرف را میزد تو آب خدمت امیرالمؤمنین وقتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دنیا رفت و به شهادت رسید کی باید بدنش را غسل می داد امام حسن و امام حسین، کی آب می آورد عباس. عباس که آب آورد دیگه اینجا به عباس نگفتند که چشمت را ببند چون عباس مقامش چیست؟ مقام عصمت است نیازی نیست که چشمش را ببندد. دو تا دلیل.

3- سومین دلیل امام معصوم باید معصوم را دفن کند. امام سجاد (علیه السلام) وقتی آمد کربلا بنی اسد هم آمدند در دفن شهداء تمام بنی اسد امام سجاد را کمک کردند. یکی یکی شهداء را آوردند خدمت امام سجاد آقا دفن کرد دفن کرد دفن کرد تا رسید به سید الشهداء آقا این جمله را فرمود به من گوش بده فرمود برید کنار، برید از من فاصله بگیرید می خواهم بابام را دفن کنم. **إِنَّ مَعِيَ مَنْ يَعِينُنِي** من خودم باید دفن کنم یک نفر هم هست کمک می ده. کی کمک می ده امام سجاد را؟ جبرئیل امین. جبرئیل باید امام معصوم را کمک کند در دفن امام. مردم نمی توانند دست به بدن امام. **إِنَّ مَعِيَ مَنْ يَعِينُنِي** امام حسین را دفن کرد گریه هایش را کرد و از قبر آمد بیرون. گفتند تمام شد.

آقا فرمود نه. یک بدن دیگر هم کنار نهر علقمه است. پشت سر آقا حرکت کردند آمدند و آمدند و آمدند فرمود حالا از من فاصله بگیرید اینجا هم **إِنَّ مَعِيَ مَنْ يَعِينُنِي** چه کسی را می تواند امام معصوم دفن کند جبرئیل هم با او باشد باید مقام عصمت داشته باشد عباس است. مقام

عصمت است. دیگه یکی دیگه هم را بگویم بعد روضه بخوانم.

4- دلیل بعدی گوش بدید. سید الشهداء (علیه السلام) آنجایی که می فرماید بلند شو برو مهلت بگیر، چه جمله ای دارد؟ می فرماید «**بنفسی أنت یا أخی**» یعنی چه، بنفسی انت یعنی فدات بشم، شما بگویند امام غلو می کنه؟! امام مغالطه می کند؟! قرآن می گوید «**وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ**» امام لغو نمی گوید غلو نمی کنه، بزرگ نمایی نمی کند اگر کسی بزرگ نیست بی خودی امام بزرگش نمی کنه چرا امام حسین (علیه السلام) که معصوم است به عباس می گوید «بنفسی أنت» خدا من را فدات کنه؟ بنفسی أنت یا أخی پاشو برو مهلت بگیرد اینجا علما می گویند چون امام، امام معصوم و لغو نمی گویند معصوم به غیر معصوم نمی تواند بگوید خدا من را فدات کنه ماها باید به امام حسین بگیم خدایا «**جعلنا فداک یا بن رسول الله**» خدا همه ما را فدات کنه پسر پیغمبر. اما معصوم

نمی تونه به غیر معصوم بگه خدا من را فدات کنه. مقام عباس این است که امام حسین (علیه السلام) بهش می گه.

دلیل بر افضلیت علی (ع)

علما آمدند خدمت امام رضا (علیه السلام) گفتند یابن رسول الله! دلیل بر افضلیت بر علی چیست؟ شب تاسوعا است می طلبه باید هم برای عباس بیشتر صحبت کرد. به امام رضا (علیه السلام) گفتند یابن رسول الله! دلیل بر افضلیت بر علی چیست؟ آقا فرمود آیه مباهله. وقتی آمدند با مسیحیان نجران مباهله کنند «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (آل عمران، 61) علی نفس پیغمبر است نفس پیغمبر است درست، علی نفس پیغمبر است تو اینجا که سید الشهداء می گوید بنفسی انت معلوم می شود که عباس هم نفس کی هست، حسین است. گرفتی بحث را. علی نفس پیغمبر است عباس هم نفس حسین است.

علی باب النبی است «انا مدینه العلم وعلی بابها» عباس
هم باب الحسین است.

حسین مظهر رحمت کلیه الهیه

مرحوم علامه طباطبائی (ره) می فرمودند استاد ماست
دریای قاضی فرمودند مکاشفه ای شد در عالم مکاشفه
دیدم حسین مظهر رحمت کلیه الهیه است یعنی هر چی
خدا رحمت دارد داده به حسین و گفته حسین جان تو هر
چی می خواهی برای همین می گوئید یا رحمت الله
الواسعه هر چه خدا رحمت دارد داده به حسین و گفته
حسین جان تو تقسیم کن. من خالق این رحمت هستم
من باید نتیجه این رحمت را به بنده ها بدهم اما تقسیمش
با شما. یا رحمت الله خودم دیدم حسین مظهر رحمت
کلیه الهیه است و آنجا دیدم که عباس باب الحسین
است. تمام این رحمت ها باید از باب الحسین وارد شود.

شب تاسوعا

خیلی مقام است خیلی مقام است چه مقامی دارد قمر
بنی هاشم که تا وقتی عباس زنده بود اهل بیت بیرون نمی
ریختند. بخوانید بیرون نمی ریختند سر و صدا کنند عباس
زنده بود عباس زنده بود حالا من می خوانم روضه
هر چه بتوانیم ان شاءالله یک مقدار هم سینه بزنیم در
مجلس عباس شب تاسوعا است.

این تیکه نریختند بیرون اما این مقدار که ابی عبدالله آمد
ببینید داره امام حسین (علیه السلام) وقتی آمد فلما نزل
الحسین، ابی عبد الله وقتی آمد گرد و خاکی که شده بود
امام حسین (علیه السلام) تا خودش را رساند آنها متفرق
شدند گرد و خاک بود گرد و خاک که نشست فلما نزل
الحسین الی العرض از روی مرکب یک نگاه به زمین کرد و
رای ایدی أخی العباس.

یه نگاه کرد دید دست های جدا شده قمر بنی هاشم روی
زمین است حالا چه کار کرد. ابی عبد الله از مرکب پیاده
شد از مرکب پیاده شد خم شد سید الشهداء این دست

برداشت معصوم فقط می تونه دست معصوم را ببوسه
اگر غیر معصوم باشه که نمی شه دستش را بوسید. خم
شد روی زمین این دست عباس را برداشت بوسید چهار
امامی که تو را دیده اند دست علمگیر تو بوسیده اند آنها
یک دفعه بوسیدن اما امام حسین دو مرتبه دست عباس
را بوسید. یک وقت وقت تولد بود یک دفعه اینجا. اینجا
بقیه نبوسیدن دست عباس را.

وقتی دست عباس را بوسید تغییراتی صورت گرفت هم
تو صورت حسین بان الإنکسار فی الوجه الحسین، یعنی
چه؟ یعنی صورت ابی عبد الله زرد شد رنگ پریده شد
بان الإنکسار فی الوجه الحسین، هم تو صورتش تغییر
ایجاد شد هم رو زبانش تغییر ایجاد شد، چرا؟ چون هی
صدا زد وا اخا الآن انکسر الزهري، هم تو عمل حسین
تغییر پیدا شد چه کار کرد دستش را برد و گذاشت روی
کمرش صدا زد کمرم شکست. همگی بگید یا حسین.